

مقدمه‌ای بر طراحی بسته‌های سؤال در تاریخ شفاهی

(با محوریت ایثار و شهادت در دوران دفاع مقدس)

مولود ستوده^۱

چکیده

ایثار و شهادت مفاهیم انسانی هستند که بروز و تجلی آن در طی تاریخ به طرق مختلف مشاهده شده است. در طرح تاریخ شفاهی هشت سال دفاع مقدس که مطالعه‌ی درک و بیان این مفاهیم کیفی در این دوران به انتخاب، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با آن نیاز دارد، می‌توان از روش نظریه‌ی بنیادی نیز بهره گرفت یا با گزینش داده‌ها و استفاده از مصاحبه، داده‌های مورد نظر را جمع‌آوری کرد. برای مصاحبه نیز بهتر است مصاحبه‌کنندگان از قبل به بررسی موضوع مورد نظر و طراحی بسته‌های سؤال اقدام کنند. طراحی بسته‌های سؤال نیز براساس نقش محوری داده‌ها و نوع مصاحبه‌های فردمحور و موضوع‌محور متفاوت است. آنچه مسلم است، برخی موضوعات در شبکه‌های موضوعی نقش محوری دارد و این امر بر انتخاب پرسش‌ها تأثیر می‌گذارد. در طراحی بسته‌های سؤال مصاحبه‌های فردمحور و موضوع‌محور عوامل مختلف دیگری، چون فضای کلی تحقیق، نگرش مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده بر آن تأثیر دارد، به حدی که ممکن است سمت و سوی مصاحبه به سوی یکی از آنها گرایش بیشتری یابد. از طرفی، با توجه به مفاهیم و گستردگی تنوع افراد در منطقه‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ابعاد نظامی بهتر است بسته‌های سؤال به صورت عمومی و اختصاصی تهیه شود، زیرا تنوع موضوعی بسته‌های سؤال باعث می‌شود از یک‌سو موضوعات محوری و ویژگی‌های آن بیشتر شناخته شود و از سوی دیگر، زوایای پنهانی که از نظرها دور مانده است، نمایان‌تر گردد. همچنین جمع‌آوری داده‌های لازم برای تجزیه و تحلیل خاطرات گروه گسترده‌ای از افراد که در سطوح مختلف نظامی قرار داشتند، فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی، ایثار و شهادت، نظریه‌ی بنیادی، بسته‌های سؤال، آسیب‌شناسی

۱- مقدمه

^۱ - دکترای تاریخ محلی، کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اصفهان

تاریخ شفاهی یا گفت‌وگوی هدفمند بین دو نفر، یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات منحصر به فرد و مطالب جالب از شاهدان عینی وقایع و رویدادهای مرتبط با موضوع است. در این روش برای پی بردن به حداکثر واقعیت‌ها، با طرح سؤال‌هایی سعی می‌شود محتوای ذهنی و درونی مصاحبه‌شونده واکاوی شود. از این‌رو، مصاحبه را می‌توان آمیزه‌ای از ارتباط کلامی و غیرکلامی دانست که معمولاً به صورت چهره به چهره و به منظور دستیابی به واقعیتی که دارای یک یا چند ارزش خبری باشد، انجام می‌پذیرد. با این فرض که اساس مصاحبه بر گفت‌وگوی دوجانبه است که به مورخ شفاهی در جمع‌آوری داده‌های کیفی و تجزیه و تحلیل آن کمک می‌کند، این پرسش مطرح می‌شود که برای مصاحبه چه سؤال‌هایی طرح شود که بتوان داده‌های بیشتر و جامع‌تری جمع‌آوری کرد؟ و در تنظیم سؤال‌ها چه نکاتی را باید در نظر گرفت؟ به عبارتی، باید‌ها و نبایدهای بسته‌های پرسشی چیست؟

در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی یکی از نکاتی که مغفول مانده سؤال‌ها و نحوه‌ی نگرش به آنهاست. در ایران با توجه به نوپا بودن بحث تاریخ شفاهی، بسیاری از سؤال‌ها به صورت سلیقه‌ای طرح می‌شود، گاه برخی از سؤال‌ها با توجه به سیاست‌های کلی طرح تحقیقاتی مطرح می‌شود و برخی دیگر در جریان مصاحبه و بر اثر گفت‌وگوی بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده از درون متن مصاحبه به وجود می‌آید و هم‌گام با ایجاد متن پرسیده می‌شود. در این پژوهش سعی شده بنابر تجربیات فردی و دیگر مصاحبه‌های انجام‌شده نکاتی درباره‌ی اهمیت طرح سؤال و تنظیم آنها بررسی شود.

۲- مبانی نظری

در دوره‌های متأخر که محققان سعی دارند در تحقیقات کیفی در حوزه‌ی علوم انسانی، بر روی انسان، معنا و مفهوم‌سازی تمرکز یافته تا به فهم بیشتری بر روابط میان شرایط، معانی و کنش‌ها دست یابند، از روش‌های مختلفی، از جمله نظریه‌ی بنیادی استفاده کرده‌اند. در این روش با استفاده از مصاحبه با افراد، داده‌های کیفی گردآوری می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (پورسعید، ۱۳۸۸: ۹۰). به عبارتی دیگر، محققان با استفاده از گفت‌وگو با افراد مورد نظر خود، سعی می‌کنند به لایه‌های مختلف افکار انسانی پی ببرند و ناگفته‌های بیشتری استخراج کنند. به نظر می‌رسد این لایه‌های فکری قابل اندازه‌گیری نیستند، اما با انتخاب، شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها که در دوره‌ی زمانی بسیار نزدیک و مرتبط با موضوع و اشخاص مورد نظر قرار داشته یا به طور هم‌زمان رخ داده‌اند، محقق می‌تواند وقایع را مطالعه کند. در مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی محقق برای جمع‌آوری داده‌های منتخب خود با بهره‌گیری از روش مصاحبه پرسش‌هایی را

مطرح می‌کند و با افراد مرتبط گفت‌وگو می‌نماید. هنگامی که محقق در مسیر جمع‌آوری داده‌ها به تکرار رسید، تحقیق او به مرحله‌ی اشباع نظری نزدیک شده (ایمانی و محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۸-۴۲؛ کلاکی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و می‌تواند با تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به موضوع مورد مطالعه نگرش عمیق‌تری یابد و درباره‌ی آن نظر متقنی بدهد.

در تاریخ شفاهی که از جمله تحقیقات کیفی به شمار می‌آید، محقق شناخت دقیقی از داده‌های نزد افراد ندارد و سعی می‌کند به کمک مصاحبه و گفت‌وگو با اشخاص مورد نظر داده‌های خود را جمع‌آوری کند. او با طرح مجموعه‌ای از سؤال‌ها پیرامون این موضوعات قادر خواهد شد معانی معینی را از بین گفتارهای پراکنده استخراج کند و به مرحله‌ی اشباع نظری نزدیک شود. منبع اصلی استخراج داده‌ها، شرح حال و خاطرات افراد است که در کنار آن استفاده از مدارکی، مانند عکس، اسناد و تجربه‌های حرفه‌ای و شخصی نیز این منابع را تکمیل می‌کند. در پروژه‌های وسیع، مانند تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس ایران به سبب گستردگی جغرافیایی و انسانی، حجم انبوهی از داده‌ها وجود دارد که برخی از آنها شناسایی شده و حجم قابل‌توجهی به جمع‌آوری و پژوهش نیاز دارد. این موضوع مجموعه‌ای از شبکه‌های موضوعی متنوع را دربر دارد که با شناخت هر یک از آنها تحقیقات مستقل و جامعی شکل خواهد گرفت. یکی از موضوعاتی که در این شبکه‌ی موضوعی قرار دارد، موضوع ایثار و شهادت است که بخش وسیعی از موضوعات دیگر در ارتباط با آن قابل مطالعه هستند.

ایثار و شهادت، دو موضوع کیفی و مرتبط با هم هستند که محقق تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس در تبیین این موضوعات در هشت سال دفاع مقدس با بخش وسیعی از گروه‌های اجتماعی که مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از آن بودند، روبه‌رو می‌شود. با توجه به ضرورت‌های زمانی چند سال گذشته، شفاهی‌کاران دفاع مقدس بیشتر روی افرادی که مستقیماً درگیر امور نظامی در این دوران بودند، تمرکز داشته‌اند و برای یافتن نمونه‌هایی از تجلی این موضوعات به جست‌وجو در لایه‌های فکری شخصیت‌های ایثارگر یا افرادی که از نزدیک با شهدا و ایثارگران در ارتباط بوده‌اند پرداخته، با آنها گفت‌وگو کرده و داده‌های مورد نظر خود را جمع‌آوری کرده‌اند.

منابع اطلاعاتی این محققان غیر از گزارش‌ها و اسناد رسمی، خاطرات رزمندگان و افرادی بوده که به کمک سؤال‌هایی، مانند چگونگی و نحوه‌ی زندگی شهدا و ایثارگران، چگونگی اعزام به جبهه، پشت جبهه، خط مقدم، روبرویی با دشمن، سیستم نظامی، تجربه‌ی جنگ، افراد نظامی، افراد غیرنظامی و ... تکمیل شده است. به عبارتی، این محققان در

چارچوب‌های مشخصی تاریخ دوران دفاع مقدس را بررسی کرده‌اند، اما هنگامی که در نظر است به نظر جامعی درباره‌ی ابعاد مختلف این موضوع در دوره‌ی زمانی قبل و بعد از آن و تأثیر وسیع آن در بین گروه‌های مختلف جامعه دست یافت، نیازمند آن است که این موضوعات و رای تجربیات شخصی و پراکنده‌ی آن درون‌مرزها یا خارج از مرزهای کشور، مطالعه و تجزیه و تحلیل شود.

۳- طراحی بسته‌ی پرسشی

در تحقیقات تاریخی کیفی که برای جمع‌آوری داده‌ها بر مصاحبه‌ی با افراد تأکید می‌شود، طراحی سؤال‌ها سهم بسزایی دارد، زیرا سؤال‌ها راه‌های وصول به اطلاعات مصاحبه‌شوندگان هستند. از طرفی، به دلیل تنوع تجربیات انسانی نمی‌توان برنامه‌ی مدون و یکسانی در طراحی سؤال‌های تاریخ شفاهی تنظیم کرد، زیرا تنظیم سؤال‌ها در مصاحبه با توجه به هدف محقق نسبت به جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات مصاحبه‌شونده و شناخت هر دو از موضوع می‌تواند تغییر یابد. مورخان شفاهی بر این باورند که پرسش‌ها باید صریح، منظم و مرتبط با موضوع باشند، برخی دیگر سؤال‌ها را به ساده و مرکب تقسیم کرده‌اند تا از پراکندگی در پروژه‌های تحقیقی کم شود و جریان مصاحبه با نظم بیشتری ادامه یابد (رزاق‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۸). انواع مختلف پرسش‌های آماده‌سازی، پرسش‌های تداعی‌کننده، پرسش‌های برانگیزنده، پرسش‌های کنترل‌کننده برای نمایان ساختن تضادهای موجود در پاسخ‌ها، پرسش‌های تکمیلی، پرسش‌های دنباله‌دار، پرسش‌های غیرمستقیم، پرسش‌های معلوم به مجهول، کل به جزء و برعکس ترتیب زمانی، پرسش درباره‌ی احساسات، واقعیت‌ها، روشن‌نمایی ابهامات و تفسیر و پرسش بدون داوری نمونه‌هایی از تقسیم‌بندی‌های معمول در این زمینه می‌باشد (ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۰: ۸۴-۸۷). البته گاهی مورخ بنابر شرایط ممکن است یکی از این روش‌های طراحی سؤال یا ترکیبی از چند روش را در مصاحبه‌های خود به کار گیرد.

موضوعی که محقق انتخاب می‌کند تا پیرامون آن مصاحبه کند، محور اصلی تنظیم پرسش‌ها به شمار می‌آید که مجموعه‌ای از پرسش‌ها پیرامون آن شکل می‌گیرد و بسته‌های سؤال را انسجام می‌بخشد. شناخت اولیه از موضوع به محقق کمک می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که: با چه کسانی راجع به چه موضوعی باید گفت‌وگو کند. برای مثال، مورخ شفاهی که در زمینه‌ی موضوع ایثار و شهادت در دوران دفاع مقدس تحقیق می‌کند، باید آگاهی‌های لازم را راجع به این موضوع از نظر دینی، ملی و حتی ماهیت انسانی آن داشته باشد. به سبب گستردگی موضوع از نظر زمانی، مکانی و

افرادی که در جنگ شرکت داشتند یا با آن مرتبط می‌شدند، گستره‌ی داده‌های منتخب، موضوعات گوناگون نظامی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... را شامل می‌شود (یا حسینی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳). به همین سبب، محقق در ابتدا با سؤال‌های دیگری روبه‌رو می‌شود، مانند میزان اطلاع این افراد از موضوع تا چه حد است و تا چه میزان گفته‌های آنان، وی را به اطلاعات مورد نظر نزدیک می‌کند.

بعد از مشخص کردن موضوعات اصلی در انجام مصاحبه، نوبت انتخاب افراد برای مصاحبه است که آنها نیز گروه‌بندی شده‌اند و بنابر موقعیت هر یک از افراد بسته‌های سؤال‌های متفاوتی طرح می‌شود. افرادی که برای مصاحبه انتخاب می‌شوند ممکن است جزء فرماندهان، افراد خط مقدم جبهه، افراد پشت جبهه، نیروهای ارتش، نیروهای بسیجی، سپاه، افراد داوطلب، روحانیان، تیم پزشکی، افرادی که تدارکات پشت جبهه و خط مقدم جبهه را بر عهده داشتند، سنگرسازان، دیده‌بانان، زنان، کودکان، جنگ‌زدگان، خانواده‌ها و بسیاری افراد دیگر قرار گیرند. هر یک از افراد این گروه‌ها بنابر مسئولیتی که داشتند، تجربه‌ها و خاطرات متفاوتی از آن دوران دارند که می‌توانند در تکمیل نگرش نسبت به ابعاد مختلف ایثار و شهادت راه‌گشا باشند و اشکال مختلف ظهور معانی واحدی را به تصویر کشند. برای مثال، خاطرات یک فرمانده درباره‌ی موضوعات حساس نظامی در محدوده‌های عملیاتی به سبب نوع مسئولیت و اطلاع وی از امور نسبت به زیردستانش و هم‌سنگرانی که در سنگر مشترک به سر می‌بردند، متفاوت است. بنابراین، مورخ شفاهی در مواجهه‌ی با تنوع تجربه‌ها و داده‌های متفاوت، برای استخراج داده‌ها و معنا کردن موضوعات واحد یا موضوعات محوری، ناگزیر از طراحی بسته‌ی سؤال‌های عمومی و اختصاصی یا حتی فردی است. این امر باعث می‌شود از تکرار موضوعات کاسته شود و هر مصاحبه ورقی ناگفته و ناشنیده از تاریخ ما را رقم بزند.

نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه داشت طراحی حوزه‌ی تحقیق است که به حوزه‌ی عملکرد افراد، انتخاب مصاحبه‌کننده یا میزان اطلاع مصاحبه‌شوندگان از موضوع بستگی دارد. گروه‌های مختلف سنی، حوزه‌های عملیاتی، موقعیت‌های نظامی، دوره‌های زمانی مشخص و حتی محدوده‌های جغرافیایی و مکانی معین، زمینه‌ی طراحی سؤال را در حوزه‌ی تحقیق مورد نظر فراهم می‌کنند. در دوران دفاع مقدس افراد مختلف تحت شرایط متفاوتی درگیر موضوع شده بودند، مانند کارکنان نیروی دریایی، نیروی زمینی، نیروی هوایی، بسیج، زنان، امدادگران، کهن‌سالان، جوانان، نوجوانان، مردان، کودکان، رزمندگان، تدارکات، پشت جبهه، سنگرسازان، دیده‌بانان، خط‌شکنان، اهالی هر یک از شهرهایی که

مستقیم و غیرمستقیم درگیر جنگ با عراق بودند و حتی کارمندانی که از اداره‌ها اعزام می‌شدند. درباره‌ی هر یک از این موضوعات نوع سؤال‌هایی که برای رسیدن به منظور مورد نظر طراحی می‌شود، متفاوت است، با وجود آنکه در نهایت همه مفاهیم ثابتی را، مانند آزادگی، دفاع از دین و میهن، نجات جان دیگری و ایثار خود برای دیگران را متجلی می‌کنند. بنابراین، به منظور حفظ انسجام و ارتباط بین سؤال‌ها، محقق مشخص می‌کند که در کدام یک از زمینه‌های تجلی ایثار و شهادت قصد دارد مصاحبه کند. این امر به او کمک خواهد کرد تا سؤال‌هایی طراحی شود که وی را در رسیدن به اهداف مورد نظر خود بیشتر یاری کند.

گاهی محقق با توجه به ارتباطات گسترده‌ی انسانی در این موضوع با دو یا چند و یا تمام موارد ممکن است به طور هم‌زمان درگیر باشد. در صورتی که محقق باتجربه باشد، این پراکندگی موجب غنای موضوع تحقیقی وی می‌شود، اما در بیشتر موارد، به‌خصوص افرادی که آموزش کمتری دیده‌اند، این امر باعث سردرگمی آنها در انجام مصاحبه و ملال‌آور بودن آن برای مصاحبه‌شوندگان و خوانندگان خواهد شد. بنابراین، بهتر است در طراحی بسته‌های سؤال به موضوعات محوری توجه بیشتری شود تا بتوان ارتباط بین یک یا چند موضوع مرتبط با هم را به خوبی حفظ کرد و از طرف دیگر، نظم بخشیدن به مجموعه‌های مختلف سؤال مؤثر می‌باشد (نیکبخت، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳). برای مثال، موضوع ایثار و شهادت موضوعی است کلی که در قبل یا بعد از انقلاب، دوران دفاع مقدس و مقاطع زمانی مختلف افراد بسیاری را با خود مرتبط ساخته است و تأثیرات آن بنابر نزدیکی و دوری از آن یا شدت و ضعف نقاط ارتباطی متفاوت است. با محدود شدن این موضوع به دوره‌ی زمانی خاص، مانند تاریخ شفاهی ایثار و شهادت در دوران دفاع مقدس، محدوده‌ی سؤال‌ها مشخص‌تر می‌شود؛ گاه ممکن است به محدوده‌ی مکانی نیز توجه شود و تاریخ شفاهی ایثار و شهادت دوران دفاع مقدس در جبهه‌های جنوب، غرب یا مناطق خاصی مطالعه شود. البته گاهی این امر به محدودیت‌های بیشتری منجر می‌شود و موضوعات دیگر را در یک پروژه‌ی تحقیقاتی کم‌رنگ‌تر یا اصلاً حذف می‌کند، اما سطح دستیابی به چگونگی کنش‌ها و واکنش‌ها درباره‌ی موضوعی خاص را افزایش خواهد داد.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های محققان این است که برای درک و فهم ملموس و بیشتر موضوع ایثار و شهادت، از مصاحبه‌شونده باید چه سؤال‌هایی پرسیده شود؟ در طراحی سؤال‌ها بهتر است شبکه‌ای از موضوعات در نظر گرفته شود تا اشاره به وقوع رویدادها در زمان‌ها و مکان‌های مشخصی به شناخت و معرفی عوامل و شیوه‌های بروز آن منجر شود.

برای مثال، برای طراحی سؤال لازم است اطلاعات اولیه درباره‌ی فرد مصاحبه‌شونده و زمینه‌های خانوادگی، فکری و اعتقادی وی مطالعه شود. شناخت شرایط زمانی موضوع و نگرش‌های کلی اجتماع نسبت به آن از دیگر نکات ضروری است. همچنین شدت و ضعف وقوع رویدادهایی که در جریان آن مفهوم ایثار و شهادت بروز یافته و متجلی شده است نیز باید در طراحی سؤال‌ها مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی، مصاحبه‌کننده در تنظیم سؤال‌ها باید شبکه‌ای از موضوعات مرتبط با یکدیگر را در نظر بگیرد که موضوعات مختلف پرسیده شود و جایگاه هر یک از مصاحبه‌شوندگان که در یکی از موضع‌های این شبکه بودند، شناخته شود. بنابراین، مصاحبه با افراد مختلف که در مواضع مختلفی از این شبکه‌ی موضوعی قرار گرفته‌اند، به شناخت و بیان ملموس‌تر موضوع ایثار و شهادت در دوران دفاع مقدس کمک می‌کند.

برای سؤال‌ها نیز می‌توان ویژگی‌هایی را برشمرد؛ از جمله اینکه جامع و مانع باشند، اما مانعیت آن مانع از قطع ارتباط با موضوعاتی که ضعیف‌تر یا دورتر هستند، نشود، زیرا باعث می‌شود تا چشم‌انداز ما نسبت به موضوع، به محدوده‌ی خاصی محدود شود که بعد از مدتی ممکن است مرزهای آن فرو ریزد. به عبارتی، برای دستیابی به اطلاعات سؤال‌ها در دو بخش کلی سؤال‌های عمومی و اختصاصی تنظیم شود. سؤال‌های عمومی درباره‌ی شرح حال مصاحبه‌شونده است که ممکن است در قید حیات باشد یا به شهادت رسیده باشد یا به دلایلی امکان گفت‌وگوی مستقیم با ایشان میسر نباشد. سؤال‌های اختصاصی به نوع عملکرد فردی و جمعی افراد مربوط است که به کمک آن می‌توان کنش‌ها، واکنش‌ها، تصمیم‌ها و بازتاب تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن را در حیات اجتماعی، دینی و میهنی توصیف کرد. البته مصاحبه‌کننده باید فضایی را در نظر بگیرد که در جریان بیان خاطرات ممکن است سؤال‌هایی مطرح شود که از قبل طرح نشده باشد و در جریان مصاحبه شکل بگیرد. این سؤال‌ها که می‌توان آنها را پرسش‌های میان‌متنی نامید، نکات کلیدی هستند که مورخ شفاهی را از ناشناخته‌ها به شناخته‌های از پیش تعیین‌نشده رهنمون می‌کنند.

بهتر است سؤال‌ها موضوع مشخصی داشته باشند و طرح سؤال‌ها ریزتر باشد و کامل‌کننده و مرحله به مرحله صورت بگیرد تا به لایه‌های عمیق موضوع در جامعه پی برده شود. به عبارتی، بسته‌ی سؤال‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان رسیدن به فضاهای دوردست برای خوانندگان فراهم شود. به همین سبب، بسیاری از نکات ریز یا شاید کم‌اهمیت ممکن است نشانه‌هایی از ارتباط دامنه‌ی موضوعات با یکدیگر باشد، هرچند که کم و ضعیف به نظر برسند. در اینجا تخصصی بودن بسته‌ی سؤال‌ها برای مورخ تاریخ شفاهی به منظور رسیدن به عمق مطلب اهمیت بسیار دارد. این

تخصصی بودن، شامل بسته‌ی سؤال‌هایی است که از قبل طراحی شده و مصاحبه‌کننده نیز باید اطلاعات متوسطی درباره‌ی افراد مورد نظر و ارتباط آنها با موضوع داشته باشد تا بتواند با طرح سؤال‌های میان‌متنی، بسیاری از ابهام‌های موجود را به کمک مصاحبه‌شونده برطرف کند و مطلب را روشن سازد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مصاحبه، نگرش مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده نسبت به سؤال‌های مطرح‌شده است. به عبارتی، اگر مصاحبه‌کننده جریان انتخاب و جمع‌آوری داده‌های مورد نظر خود را بر سؤال‌های موضوع‌محور یا شخصیت‌محور قرار دهد، ممکن است طرح سؤال‌ها در یکی از این دو محور، پررنگ‌تر و در دیگری کم‌رنگ‌تر شود، به‌خصوص زمانی که مصاحبه‌کننده سعی می‌کند به کمک محتوای گفت‌وگویی که در حال جریان است سؤال‌های میان‌متنی طرح کند، تأثیر این نگرش بیشتر می‌شود. در این صورت ممکن است بنا به نگرش مصاحبه‌کننده و سؤال‌های مطرح‌شده، مصاحبه به سمت و سوی مشخصی سوق یابد. از طرفی، اگر مصاحبه‌شونده نیز به یکی از موضوعات شخص‌محور یا موضوع‌محور تمایل بیشتری داشته باشد، پاسخ وی به سؤال‌ها به یکی از این دو محور نزدیک‌تر خواهد بود و داده‌هایی که در جریان مصاحبه جمع‌آوری می‌شود نیز در یک‌سو انباشت بیشتری داشته و بر تجزیه و تحلیل داده‌ها اثر مستقیم خواهد گذاشت.

ویژگی‌های محلی، شهری نیز بر تنظیم سؤال‌ها تأثیر دارد، گاهی به زمینه‌ی طرح سؤال‌ها تبدیل می‌شود و گاهی خود موضوع اصلی سؤال‌هاست و مجموعه‌ای از بسته‌های پرسشی در ارتباط با آن طراحی می‌شود. در تاریخ شفاهی خرمشهر، دوران دفاع مقدس، مقاطع زمانی قبل از جنگ، اشغال و آزادی خرمشهر را می‌توان مطالعه کرد، همچنین شناخت طبقات و گروه‌های اجتماعی درگیر دفاع مقدس در هر یک از این مقاطع زمانی به بسته‌های سؤال‌های مستقل نیاز دارد. از منظر دیگر، شهیدان یا ایثارگرانی که از گروه‌های مختلف اجتماعی بودند، مانند شهری، روستایی و ایلاتی، یا تعلق داشتن به خانواده‌های مذهبی، بازاری، دانشگاهی، متجدد، سنتی و امثال آن، به شکل‌گیری مجموعه‌ای از وقایع منجر شده‌اند که نمی‌توان با سؤال‌های کلیشه‌ای، سلیقه‌ای و محدود، اطلاعات مربوط به آنها را جمع‌آوری کرد.

۴- انتخاب داده‌ها

داده‌ها یا همان موضوعات مورد پرسش را می‌توان در چارچوب کلیدواژه‌گانی که اطلاعات جامعی از موضوع را دربر دارند، تعریف کرد. کلیدواژه‌ها یا نمایه‌های انتخابی به محقق کمک می‌کند نقشه‌ی راهی را برای خود ترسیم کند و محدوده‌های

زمانی، مکانی، فردی و موضوعی را که در نظر دارد، تعیین کند. پیشنهاد استفاده از کلیدواژه‌ها در طراحی بسته‌ی سؤال‌ها برای این است که با توجه به موضوعات کیفی ایثار و شهادت به سبب بار معنایی گسترده، حوزه‌ی جغرافیایی وسیع، کلیت و تنوع موضوعات، نمی‌توان بسته‌های پرسشی معینی را برای ابعاد مختلف آن معرفی کرد، زیرا باعث می‌شود از جامعیت و شمول دامنه‌ی اطلاعات کاسته شود.

نکته‌ی دیگری که باید در نظر گرفت، مصاحبه‌هایی است که طی این مدت انجام شده یا در حال انجام است. از طرفی، تلاش برای تسهیل ورود افراد کم‌تجربه برای جمع‌آوری اطلاعات، انتخاب و تبیین کلیدواژه‌های متنوع باعث خواهد شد طراحی و هدایت جریان کلی مصاحبه غنی‌تر و کامل‌تر شود. از طرفی دیگر، هر یک از طرفین بنا به برداشت‌های فردی و گروهی، نظر و خاطرات خود را در مواجهه با کلیدواژه‌های مطرح‌شده بیان می‌کنند. این نکته فضاهای نامحدودی به روی مخاطبان می‌گشاید، اما باعث می‌شود به تعداد افرادی که از نزدیک با این موضوعات ارتباط داشتند، برداشت‌ها و تحلیل‌های متنوعی به دست آید. نکته‌ی مهمی که باید از نظر دور نداشت کنترل سیر اطلاعات در مصاحبه‌هاست که با حفظ ترتیب و توالی رخدادها در متغیر زمان می‌توان از تبعات منفی این گستردگی، تا حد امکان کاست و به اشباع نظری نزدیک شد.

کلیدواژه‌ها نشان‌دهنده‌ی محتوای موضوعی یا همان داده‌های مورد نظر هستند که با به کار بردن کلمات استفهامی، مانند چگونه، چرا، چه کسی، چه زمانی و ... به همراه کلیدواژه‌های مورد نظر سؤال‌ها شکل می‌گیرند. مصاحبه‌کننده یا مجری طرح تحقیقاتی، اعم از افراد حقیقی یا حقوقی، با انتخاب و تبیین کلیدواژه‌های مورد نظر، فهرستی از موضوعات خود را تهیه می‌کند که به کمک مصاحبه اطلاعات مختلف را از طریق مصاحبه با افراد جمع‌آوری می‌نماید. برخی از این کلیدواژه‌ها به دلیل بار معنایی آن در سطوح کیفی و کمی و در حوزه‌های مختلفی قرار دارند و محقق را قادر می‌سازند اطلاعات متنوعی را بازیابی کند. برای مثال، کلیدواژه‌های نقش یا مشارکت افراد که همراه کلمات استفهامی از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شوند، با وجود برخورداری از معانی کلی و عام، در جایگاهی که مطرح می‌شوند، تنوع محتوایی بسیار خواهند داشت.

به عبارتی، وقتی نقش و مشارکت شهید یا ایثارگر مطالعه شود و سؤال شود که فرد مورد نظر در خانواده، در بین دوستان، هم‌زمان، زیردستان وی و حتی دشمنان او چه نقش یا مشارکتی داشته، هر یک تعبیر متفاوتی بیان می‌کنند و

جنبه‌های مختلفی از موضوع روشن می‌شود. در این شبکه اطلاعاتی ممکن است هر یک از گویندگان نکات خاصی را در نظر گرفته و به ابعاد دیگر آن توجه نکرده باشند؛ یا رزمنده و ایثارگر زمانی که کاری انجام داده است، نتایج آنی و کوتاه‌مدت آن را در نظر داشته، در حالی که نتایج آن عمل دارای تأثیراتی بلندمدت بوده و از حیطة افکار خود وی نیز خارج بوده است؛ به این معنی که محقق به کمک تنوع داده‌ها می‌تواند تفاسیری از عملکرد رزمندگان یا دیگر افراد ارائه دهد که خود وی چنین تصویری نداشته است و این تفاسیر مربوط به زمانی است که مورخان آن دوره تاریخ آن را نگاشته‌اند.

بعد از انتخاب کلیدواژه‌ها و تعیین حدود فرضی آن، کار جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه آغاز می‌شود. حدود آنها به این دلیل فرضی در نظر گرفته شده که در روابط انسانی و معنایی بسیاری از موضوعات که وجه مشترک و اصیل دارند، به یکدیگر پیوند می‌خورند. حس ایمان، جلب رضایت خدا، نوع دوستی و مانند آن، رشته‌های ارتباطی هستند که کوچک‌ترین عملکرد افراد را در ردیف اهداف عالی وی قرار می‌دهند. بنابراین، ممکن است فرد بنابر وسعت ارتباطات فردی، اعم از اجتماعی، فرهنگی، نظامی، دینی، اقتصادی و سیاسی که داشته است، اعمال کوچک وی در یک یا چند حوزه‌ی مشترک معنا یابد. در انتخاب کلیدواژه‌های اصلی در طرح سؤال باید مطالب مرتبط با این واژگان بیان شود و داده‌های متنوع و متعددی از جهات مختلف درباره‌ی موضوع مورد نظر جمع‌آوری شود. اگرچه تعبیر و تفسیر بیانات مختلف افراد ممکن است موجب تطویل کلام گردد، زوایای مختلف یک واقعه و رویداد و حاشیه‌های آن به کمک بیانات مصاحبه‌شوندگان بازیابی می‌شود.

یکی از نکات مثبت استفاده از کلیدواژه‌ها، تهیه‌ی آمار از محتواست و محقق می‌تواند در تجزیه و تحلیل داده‌ها به اشباع نظری نزدیک‌تر شود و نظر متقنی ارائه دهد. برای مثال، وقتی از مصاحبه‌شوندگان سؤال شود: نحوه‌ی ارتباط شما با شهید چگونه بود؟ هر یک جواب‌هایی می‌دهند که در حالت‌های مختلف، مانند ارتباط بسیار نزدیک، تا حدودی نزدیک، کم و غیره اندازه‌گیری می‌شوند یا اگر سؤال شود: شهید چه نقشی در زندگی شما داشت؟ هر یک از افراد با وجود توضیحات مبسوط و مختصری که درباره‌ی این نقش می‌دهند در نهایت، می‌توان وضعیت خلاصه‌تری، مانند نقش بسیار پررنگ، معمولی و کم‌رنگ را برای آن ترسیم کرد و دریافت که چه افرادی در چه مرحله‌ی چه نقشی ایفا کرده‌اند. گاهی کلیدواژه‌ها خاص می‌شوند؛ برای مثال، پرسیده می‌شود: میزان مشارکت شهید در امور خانوادگی تا چه حد بود؟

پاسخ این سؤال نیز بنابر جایگاه شهید متفاوت است، گاهی وی در نقش فرزند خانواده یا سرپرست خانواده بوده که در هر یک از این جایگاه‌ها نوع مشارکت او بنابر مسئولیت‌های نظامی و شخصی که بر عهده داشته، باعث جمع‌آوری اطلاعات کمابیش متفاوتی می‌شود.

۵- آسیب‌شناسی

در تاریخ شفاهی آسیب‌های مختلفی، مانند مشکل گفتمانی، تفکر قدرت‌زده، ملاحظات امنیتی، سیاسی و ... که بر پیکره‌ی آن ضربه وارد می‌کند، از دید محققان دور نمانده است (یا حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). یکی از عواملی که آسیب جدی در تاریخ شفاهی به شمار می‌آید، طرح نکردن سؤال‌های مناسب است که موجب می‌شود نتیجه‌ی مصاحبه از قدرت کافی برخوردار نباشد و تأثیرات معکوسی از خود بر جای بگذارد؛ برای مثال، بی‌اطلاعی مصاحبه‌کننده از موضوع و طرح سؤال‌های سطحی، عدم امکان استخراج سؤال‌های میان‌متنی، اعمال سلیقه‌های فردی یا سازمانی در انجام پروژه‌ها، طراحی سؤال را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و سؤال‌هایی طراحی می‌شود که مصاحبه را جهت‌دار می‌کند.

تلاش مورخ بر آن است که واقعیت‌های تلخ و شیرین، دشواری‌ها و نحوه‌ی فائق آمدن بر سختی‌ها را از زبان کسانی که مستقیماً با موضوع درگیر بوده‌اند، بیان کند تا نسل آینده تصوراتی دور از ذهن از این رشادت‌ها و ایثارگری‌ها نداشته باشند، اما گاهی برخی سؤال‌ها به بزرگ‌نمایی‌های دور از واقعیت منجر می‌شوند. گاهی عکس این موضوع دیده می‌شود و سؤال‌ها به ایجاد محتوایی ساده و روان منجر می‌شوند که تلاش‌های سخت آنان در دوران دشوار نادیده گرفته شده و نسل آینده را از یافتن حقیقت دور می‌کند. بعضی از مورخان بر این باورند که باید درک صحیحی از توانمندی‌ها و قابلیت‌های رزمندگان و فرماندهان نشان داده شود (فیاضی، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۲). گاهی سؤال‌هایی که طرح می‌شود ممکن است به ایجاد محدودیت‌هایی منجر شود و دسترسی به اطلاعات را بنا به ملاحظات سیاسی، دینی، شخصی، خانوادگی و عوامل دیگر کاهش دهد. در این وضعیت، بهتر است سؤال‌های زمینه‌ای طرح شود که غیرمستقیم بتوان به مطالب مورد نظر دست یافت و وارد حریم‌های محصور شد، اگرچه ممکن است خود به مشکلاتی منجر شود، توصیه می‌شود سؤال‌ها به گونه‌ای طرح شود که مصاحبه‌کننده بتواند تا حد امکان، غیرمستقیم و از منظر راوی و نه عامل واقعه پاسخ‌گو باشد.

در پروژه‌های سازمانی، محتوای مشخصی پیش‌بینی و تعریف شده است که طرح سؤال‌ها منطبق با آن است و

بسیاری از حواشی مصاحبه کم می‌شود تا در نهایت، نظر مشخصی را به اثبات برسانند و آنچه با آن مغایر است مردود کنند. در این روش، برخی سؤال‌ها برای آماده ساختن مصاحبه‌کننده با موضوع است و نیازی به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در این زمینه نمی‌بینند (رزاق‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۶۷). در این حالت، محتوای مصاحبه در حد آشنایی فرد مصاحبه‌شونده یا خوانندگان به طور عمومی است و پاسخ سؤال‌ها به صورت تخصصی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در این فضا، سؤال‌ها کلیشه‌ای و فضای مبهمی دارند که ناگزیر اول باید این ابهام را زدود، سپس به محتوای آنچه که روی داده دست یافت و این جریان مصاحبه را ناقص و سطحی می‌کند. در برخی مصاحبه‌ها، سؤال‌هایی طرح می‌شود که خود به دقت بیشتری نیاز دارد؛ برای مثال، با طرح سؤال، مانند برخورد مسئولان منطقه با فرماندهی، از جمله نیروهای بسیجی از نظر کمی و کیفی، ادغام یگان با ارتش و سپاه، یگان ادغامی و غیره (همان). لازم است با هر یک از آنها گفت‌وگو شود تا به نقش ترکیبی یا مجزای آنها بهتر پی برده شود.

یکی دیگر از آسیب‌ها نحوه طرح سؤال است که چند سؤال در یک سؤال با یکدیگر ادغام می‌شود. مصاحبه‌شونده با مرور سؤال‌ها، پاسخی درباره‌ی مجموعه‌ی آنها می‌دهد، در حالی که بهتر است سؤال‌ها به تفکیک و مجزا پرسیده شود و در نهایت، سؤال‌ی مطرح کرد که به جمع‌بندی مطلب منجر شود تا خوانندگانی که در آن فضا قرار نگرفته‌اند، بتوانند به علل وقوع رویدادها و تجمیع آنها در نقطه‌ای واحد دست یابند. هرچند که بعضی از مصاحبه‌کنندگان با تکیه بر یک سؤال محوری، مجموعه‌ای از سؤال‌های خردتر را برای دریافت پاسخ‌هایی راجع به ابعاد مختلف موضوع مطرح می‌کنند؛ برای مثال، پرسیده می‌شود: نقش شما در تحسن تاریخی در منزل آیت‌الله خادمی در اصفهان چه بود؟ و برای تکمیل سؤال خود از مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شود: نقش دوستانتان چه بود؟ و نمونه‌هایی از این‌گونه سؤال‌های مرکب.

در طرح سؤال‌ها نباید فضای کلی بحث به صورت سؤال مطرح شود؛ برای مثال، شیوه‌ی کار شناسایی، شکل تیم‌بندی و برخی سؤال‌ها که برای مصاحبه تهیه می‌شود به شیوه‌ی گزارش‌گیری از مصاحبه‌شونده است (همان: ۳۶۷-۳۷۵)، در حالی که هدف مصاحبه جمع‌آوری آن مطالبی است که شاید در گزارش نوشته نشود. سؤال‌هایی که به تهیه‌ی گزارش منجر می‌شود ممکن است تأثیر مستقیمی در تکمیل محتوای مصاحبه داشته باشد، اما مصاحبه‌کننده باید سعی کند سؤال‌هایی مطرح کند که مصاحبه‌شونده بتواند موضوعات جانبی را بیان کند. البته مشکل اینجاست که گزارش‌های

مدوتی از بسیاری از این موارد انجام نشده است و اگر چنین گزارش‌هایی در فاصله‌ی کمتری تهیه شده بود، سمت و سوی مصاحبه‌ها به سوی تاریخ شفاهی بیشتر تمایل می‌یافت.

از دیگر آسیب‌های مصاحبه در طراحی سؤال‌ها، توجه نکردن به تنظیم بسته‌های سؤال به صورت تخصصی است. سؤال‌های ناقص، خام، سلیقه‌ای، و یا بسته‌ای که به سبب ناآشنایی مصاحبه‌کنندگان با تاریخ شفاهی به چشم می‌خورد، این امکان را فراهم نمی‌کند که به ابعاد مختلف موضوع دسترسی پیدا شود. در مصاحبه‌هایی که در برخی مراکز دولتی و غیردولتی نیز صورت می‌گیرد، نگاه طراحان سؤال نگاهی از بالا به پایین است و این باعث می‌شود اطلاعات مشخصی به دست آید. گاهی سؤال‌ها مبهم است و مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده حدود ورود به بحث را نمی‌دانند و جمع‌آوری داده‌ها ناقص می‌ماند. یکی از آسیب‌های دیگر موجود در بسته‌های سؤال این است که سؤال‌ها منقطع بوده و اطلاعات منقطعی نیز به دست می‌آید. درج تاریخ در پرسش اهمیت دارد، زیرا مصاحبه از ترتیب زمانی برخوردار می‌شود و ریشه‌های شکل‌گیری موضوعات بیشتر نمایان می‌شود که بسیاری از مصاحبه‌کنندگان کمتر به این موضوع توجه دارند (ایزدی، ۱۳۸۷: ۴۳۵-۴۳۶).

۶- نتیجه

برای انجام مصاحبه در تاریخ شفاهی، سؤال نقش اساسی در تولید محتوا دارد و کلید گشودن رمزهای بسیاری به شمار می‌آید. در طراحی سؤال‌ها، مصاحبه‌کننده باید عوامل مختلفی که بر جریان مصاحبه تأثیر دارد، مانند آمادگی و آگاهی فردی، موقعیت‌های اجتماعی و حتی امکانات فنی را در نظر بگیرد. در طراحی بسته‌های سؤال با استفاده از شبکه‌های موضوعی متنوع می‌توان ابعاد مختلفی از داده‌های مورد نظر را جمع‌آوری کرد و اطلاعات منسجم و به هم پیوسته‌ای به دست آورد و از پراکندگی محتوا تا حد امکان کاست. در این شیوه، شناخت و انتخاب کلیدواژه‌ها مؤثر و راه‌گشاست. در تنظیم سؤال‌ها ممکن است آسیب‌هایی ایجاد شود که مانع از غنای مصاحبه گردد. بی‌اطلاعی مصاحبه‌کننده از موضوع مصاحبه، مطرح کردن چند سؤال در یک سؤال، ارتباط نداشتن سؤال‌ها با موضوع و خاطره‌ی مصاحبه‌شونده، سؤال‌های به شیوه‌ی گزارش‌گیری، سؤال‌های ناقص و خام و سؤال‌های منقطع و پراکنده، از جمله آسیب‌هایی است که در طراحی بسته‌های سؤال باید به آنها توجه داشت. در تاریخ شفاهی برای ایجاد فضایی که به کمک آن بتوان به حداکثر اطلاعات

دست یافت بهتر است بر شناخت و توصیف بسته‌های سؤال تمرکز بیشتری شود و گاه با تشکیل گروه‌های متخصص در زمینه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ، تا حدودی سؤال‌های استاندارد و علمی‌تری طراحی شود.

منابع

- ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۰). نقد و بررسی خاستگاه تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران ۱۳۵۸-۱۳۸۵، رساله‌ی دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- ایمانی، محمدتقی و منیژه محمدیان (پاییز ۱۳۸۷). «روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی». در فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۶.
- ایزدی، مصطفی (۱۳۸۷). «تاریخ شفاهی و بررسی موردی» در کتاب مصاحبه در تاریخ شفاهی (مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی ۱۳۸۶)، تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- بختیاری، محمدرضا (۱۳۹۰). «بایدها و نبایدهای تاریخ شفاهی آزادگان» در کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- پورسعید، سیدمسعود (تابستان ۱۳۸۸). «طراحی الگوی توسعه‌ی منابع انسانی کارآفرین بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی» در فصلنامه‌ی پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره‌ی ۳.
- حاجی‌آبادی، رضا (۱۳۹۰). «تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، ضرورت‌ها و فرصت‌ها» در کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- رزاق‌زاده، امیر (۱۳۸۷). «مبانی، اصول و چارچوب نظری مصاحبه» در کتاب مصاحبه در تاریخ شفاهی (مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی ۱۳۸۶)، تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- فیاضی، عمادالدین (۱۳۹۰). «روایتی از تاریخ شفاهی یک فرماندهی جنگ» در کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- کلاکی، حسن (تابستان ۱۳۸۸). «نظریه‌ی بنیادی به مثابه‌ی روش نظریه‌پردازی» در فصلنامه‌ی پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ششم.

- نیکبخت، رحیم (۱۳۹۰). «تاریخ شفاهی همگانی دفاع مقدس» در کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.

- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۷). «مصاحبه در تاریخ شفاهی» در کتاب مصاحبه در تاریخ شفاهی (مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی ۱۳۸۶)، تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.

- _____ (۱۳۹۰). «سوژه‌ی خاطرات جنگ را چطور پیدا کنیم؟» در کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.